

## مبانی و اصول قرآنی اندیشه دفاعی در اسلام

mardani1400@gmail.com

مهدی مردانی (گلستانی) / دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث

پذیرش: ۹۷/۰۶/۱۹

دریافت: ۹۷/۰۳/۲۶

### چکیده

قرآن کریم به عنوان اصلی‌ترین منبع دین اسلام، خاستگاه اندیشه‌های بسیاری است که یکی از مهم‌ترین آنها مسئله «دفاع و امنیت» است. این مسئله، بر مبانی و اصولی استوار است که شایسته است بر پایه مستندات قرآنی کشف و تبیین گردد. هدف از این پژوهش، که به شیوه توصیفی - اکتشافی سامان یافته، تبیین اصول و مبانی اندیشه دفاعی اسلام است که بر پایه آموزه‌های قرآن صورت می‌پذیرد. نفی سلطه، تکلیف‌گرایی، استقلال و خودکفایی، حفظ وحدت و انسجام و همزیستی مسالمت‌آمیز از مهم‌ترین مبانی اندیشه دفاعی اسلام است، و اطاعت از فرمان‌دهی، دشمن‌شناسی، قطع ریشه‌های فساد، آمادگی دفاعی و دفاع فرامرزی از مهم‌ترین اصول اندیشه دفاعی اسلام به‌شمار می‌آید.

**کلیدواژه‌ها:** آموزه‌های اسلام، اندیشه دفاعی، مستندات قرآنی، مبانی، اصول.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ خداوند هرگز برای کافران نسبت به مؤمنان راه تسلطی قرار نداده است.

«نفی سبیل» عمومیت را می‌رساند و قید «هرگز»، که به صورت ناهیهانه بیان شده است، تقدم این اصل بر هر قاعده، پیمان و قراردادی را نشان می‌دهد. از آیه چنین استفاده می‌شود که کافران نه از نظر نظامی، نه از نظر سیاسی، نه از نظر فرهنگی و نه از نظر اقتصادی نباید بر افراد بالیمان چیره شوند (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۹۱).

این اصل قرآنی را اجماع فقها نیز تأیید می‌کند و آنها در مسائل فقهی به این آیه شریفه، که دال بر نفی تسلط کفار بر مسلمانان است، استدلال کرده‌اند. «نفی سبیل» اساس روابط خارجی و دفاعی دولت اسلامی است و بر سایر ادله حاکمیت دارد (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۴۸)؛ یعنی روابط خارجی و دفاعی نظام اسلامی با غیرمسلمانان باید به گونه‌ای تنظیم گردد که زمینه‌های سلطه و برتری کفار بر مسلمانان را فراهم نیاورد.

همین معنا در روایات اسلامی نیز مطرح شده و در قالب یک اصل مهم در مناسبات اسلامی با دیگر کشورها بیان گردیده است؛ چنان‌که حدیث شریف نبوی می‌فرماید: «إِسْلَامٌ يَعْلُو وَ لَا يَغْلَى عَلَيْهِ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴ ص ۲۴۳)؛ اسلام برتری می‌یابد، ولی بر آن برتری جسته نمی‌شود.

معنای این حدیث آن است که در شریعت اسلام، هیچ‌گونه راهی برای نفوذ و تسلط کفار بر مسلمانان باز نگردیده و دشمنان اسلام از مداخله در امور داخلی و بین‌المللی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی مسلمانان منع شده‌اند. در واقع، این قاعده بیانگر دو جنبه سلبی و ایجابی است؛ جنبه سلبی آن ناظر به نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت مسلمانان است، و جنبه ایجابی آن ناظر به وظیفه دینی امت اسلامی در حفظ استقلال و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگی است.

## ۲. تکلیف‌گرایی

بر پایه منطق قرآن، رزمنده با بصیرت چون خود را بنده خدا می‌داند، تنها به ادای تکلیف می‌اندیشد و دیگر پیروزی یا شکست، زنده ماندن یا کشته شدن برایش مطرح نیست، و اگر برای تقویت قوای اسلام می‌کوشد به منظور ادای تکلیف است. چنین رزمنده‌ای فقط به مسئولیت دینی خویش می‌اندیشد، و اگر در این راه شاهد شهادت هم‌زمانش گردد خللی در روحیه و انگیزه او وارد نمی‌شود. حتی

دین اسلام موطن اندیشه‌ها و نظریه‌های کارگشایی است که با تحلیل و پردازش آن، می‌توان نقشه راه مناسبی برای پیشبرد اهداف جامعه اسلامی ترسیم نمود. یکی از آراء مهم دین اسلام مسئله دفاع و امنیت است که بنیان و ریشه آن را می‌توان در قرآن و سنت جست‌وجو کرد و با تتبع در آنها، مبانی و پایه‌های فکری آن را استخراج نمود. براین اساس، پژوهش حاضر درصدد است با تبیین پرسش‌های ذیل به گونه‌شناسی اندیشه دفاعی اسلام بپردازد و با تحلیل مستندات دینی، بن‌مایه‌های قرآنی آن را کشف و تبیین کند: بن‌مایه‌های قرآنی اندیشه دفاعی اسلام چیست؟ اصول قرآنی اندیشه دفاعی اسلام کدام است؟ اندیشه دفاعی اسلام بر کدام مبانی قرآنی استوار است؟

بدین منظور، مستندات اندیشه دفاعی اسلام در دو بخش مبانی و اصول استخراج گردیده و بر پایه آموزه‌های قرآنی تبیین گشته است. قابل ذکر است که پیش از این برخی از محققان نیز در حوزه اندیشه دفاعی قلم زده و به تبیین ابعاد و مؤلفه‌های آن پرداخته‌اند، لیکن بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده ناظر به آراء و اندیشه امام خمینی<sup>ع</sup> و مقام معظم رهبری بوده و کمتر مستندات قرآنی، به‌ویژه دو مسئله اصول و مبانی، آن را بررسی کرده است.

## مبانی اندیشه دفاعی اسلام

کلمه «مبنا» در لغت، در چند معنا به کار رفته است؛ از جمله: بنیاد، اساس، شالوده و پایه؛ و در اصطلاح، به معنای باور بنیادینی است که مسائل یک علم بر آن استوار است. همچنین به پیش‌فرض‌هایی که محقق بسان یک اصل برای خود قرار می‌دهد - خواه مقبول دیگران قرار گیرد و خواه قرار نگیرد - تعریف شده است (راد، ۱۳۹۰، ص ۳۰). اما مقصود از «مبانی» در این تحقیق، مجموعه باورهای بنیادینی است که نسبت به مسئله دفاع اتخاذ می‌گردد و موجب می‌شود تا دیگر مسائل اندیشه دفاعی بر پایه آن پی‌ریزی گردد.

### ۱. نفی سلطه

نفی سلطه بیگانگان یکی از مبانی مهم و بنیادینی است که در اندیشه دفاعی اسلام نیز بر آن تأکید شده است و به عنوان یکی از اصول حاکم بر مناسبات اسلامی در تعامل با دیگر کشورها شناخته می‌شود. یکی از آیاتی که به‌روشنی بر این مبانی مهم دلالت دارد، آیه ۱۴۱ سوره نساء

### ۳. استقلال و خودکفایی

«استقلال» در لغت، به معنای «اندک شمردن، حمل کردن و به کاری پرداختن بدون مشارکت دیگران» است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۴۱۵؛ فیروزآبادی، بی تا، ج ۳، ص ۶۰۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۵۵) و در اصطلاح علوم سیاسی، به معنای «جدا بودن حاکمیت یک کشور از هر نوع سلطه خارجی و آزادی اراده ملی برای اداره امور داخلی و خارجی خود» است (سحرخوان، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۴۰۰).

در قرآن کریم، واژه «استقلال» به صراحت نیامده، ولی مفهوم آن در قالب تعابیری مانند عزت مسلمانان (فاطر: ۱۰)؛ نفی سبیل کافران (نساء: ۱۴۱)؛ پذیرفتن سلطه کافران (مائده: ۵۲)؛ عدم میل و اعتماد نداشتن به کافران (هود: ۱۱۳)؛ پیروی نکردن از اهل کتاب و مشرکان (آل عمران: ۱۴۹ و ۱۵۰)؛ روی پای خود ایستادن (فتح: ۲۹)؛ و نداشتن دوستی صمیمانه با مشرکان (آل عمران: ۱۱۸ و ۱۱۹) انعکاس یافته است.

از منظر قرآن، «حفظ اعتلا و برتری مسلمانان و استقلال و خودکفایی کشور اسلامی»، یک اصل اساسی و یک هدف مهم محسوب می شود و سلطه و چیرگی دشمنان بر جامعه اسلامی و مسلمانان امری نارواست و برتری کفار بر مسلمانان پذیرفتنی نیست. با توجه به این عقیده، هرگونه مبادلات و مراوداتی که موجب افزایش نفوذ غیرمسلمانان و بیگانگان در جامعه اسلامی، و در نتیجه، از بین رفتن استقلال و خودکفایی کشور گردد ممنوع و ناصحیح تلقی می شود: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱).

از اطلاق واژه «سبیل» در آیه مزبور چنین استفاده می شود که کافران نه تنها از منظر نظامی، بلکه از منظر سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و هر موضوع دیگر نیز بر افراد باایمان، سلطه نخواهند داشت. از همین رو، اندیشمندان و فقهای اسلامی نیز با استناد به این آیه، قاعده‌ای فقهی با عنوان قاعده «نفی سبیل» تأسیس کرده‌اند که بر اساس آن، راه هرگونه نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید مسدود شود. در واقع، این قاعده بیانگر دو جنبه ایجابی و سلبی است که جنبه سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر سرنوشته سیاسی و اجتماعی مسلمانان است، و جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه دینی امت اسلامی در حفظ استقلال سیاسی و از بین بردن زمینه‌های وابستگی است (دهشیری، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۶۳).

از سوی دیگر، قرآن کریم دوستی با کشورهای بیگانه را، که

کشته شدن فرماندهان و رهبران نیز سبب نمی‌گردد تا میدان را ترک گوید؛ زیرا از قرآن آموخته که آنچه باقی و جاودانه است هدف است، هرچند رهبر یا رهبرانش در این راه فدا شوند: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۴)؛ محمد فقط فرستاده خداست. پیش از او فرستادگان دیگری نیز بودند. آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود شما اسلام را رها کرده، به عقب برمی‌گردید؟ هرکس به عقب بازگردد هرگز به خدا ضرری نمی‌زند و خداوند به زودی پادشاه شاکران را خواهد داد.

چنین شخصی با تبلیغات و جنگ روانی دشمن نیز از میدان نمی‌هراسد و آن را خالی نمی‌کند؛ چنان‌که پس از شایعه کشته شدن پیامبر در جنگ احد و فرار بسیاری از افراد، یکی از اصحاب با بصیرت پیامبر به نام انس بن نصر به میدان آمد و گفت: ای مردم، اگر محمد کشته شود خدای محمد کشته نشده، بروید و پیکار کنید و در راه همان هدفی که پیامبر کشته شده، شربت شهادت بنوشید! (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۵۱۳).

آری، یک رزمنده واقعی پیروزی را در عمل به تکلیف می‌بیند. چه به نتیجه ظاهری برسد و یا نرسد، خود را موفق و پیروز می‌داند. او این دیدگاه را از قرآن فراگرفته است؛ زیرا قرآن به مسلمانان تعلیم می‌دهد: شما که به وظیفه دینی خود در جهاد با کفار عمل کردید، در پاسخ منافقان، که در انتظار پایان کار شما هستید، بگویند که سرانجام ما در هر صورت نیکوست: «قُلْ هَلْ تَرْتَبِصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنِ» (توبه: ۵۲)؛ بگو آیا درباره ما جز یکی از دو نیکی (پیروزی یا شهادت) را انتظار می‌کشید؟

با این نگرش، دیگر شکست برای رزمنده اسلام معنا ندارد و او به درستی وعده الهی مبنی بر پیروزی خود و یارانش اطمینان پیدا می‌کند و باور می‌کند که در کاری که برای رضای خدا انجام شود، هرگز ناکامی وجود نخواهد داشت؛ زیرا قرآن به مؤمنان وعده داده است: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۲)؛ سست نشوید و غمگین نگردید! شما برترید اگر ایمان داشته باشید.

براین اساس، پیامبر اکرم ﷺ در توصیه به شخصی که مشتاق شرکت در جهاد بود، به این حقیقت اشاره می‌کند که یک مجاهد، چه در میدان رزم به شهادت برسد و چه سالم برگردد، به نتیجه سودمند دست یافته است؛ در راه خدا جهاد کن، اگر کشته شوی نزد خداوند زنده‌ای و روزی می‌خوری، و اگر سالم برگشتی از گناهانت به سوی خدا خارج شده‌ای، و اگر (در این راه) مردی پس اجر تو بر خداست. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۲۷).

عامل اصلی شکست آنان معرفی می‌کند و در مقابل، وحدت سربازان شامی را عامل پیروزی ایشان می‌داند: «سوگند به خدا، می‌بینم که این قوم به زودی بر شما چیره شوند؛ به خاطر اجتماعی که آنان بر باطلشان دارند، و تفرقه‌ای که شما از حق دارید». (همان، خ ۲۵).

#### ۵. همزیستی مسالمت‌آمیز

این مبنا در متون دینی نیز ریشه دارد و صلح‌طلبی و همزیستی مسالمت‌آمیز از مقدس‌ترین آرمان‌های اسلام است. اسلام از همان آغاز، اصول صلح را پی‌ریزی کرده و از این طریق، راه را برای رسیدن به صلح جهانی هموار ساخته است. صلح و صفا روح اسلام است و واژه «اسلام» از ماده «سلم» گرفته شده که متضمن معنای سلامت و امنیت و صلح و صفاست. از این رو، قرآن کریم به پیروان خود دستور می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً» (بقره: ۲۰۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی در حوزه سلم و صلح وارد شوید.

در آیه دیگری نیز در خصوص صلح‌طلبی می‌فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا» (حجرات: ۹)؛ و اگر دو طایفه از اهل ایمان با هم به قتال و دشمنی برخیزند، شما مؤمنان بین آنها صلح برقرار سازید. همچنین اسلام به همزیستی مسالمت‌آمیز و پرهیز از جنگ و پذیرش صلح با پیروان ادیان الهی سفارش می‌کند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَلا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۶۴)؛ بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است: جز خدای یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او قرار ندهیم، و بعضی از ما بعضی را اربابانی به جای خدا نگیرد. پس اگر [از دعوتت به این حقایق] روی گرداندند [تو و پیروانت] بگوید: گواه باشید که ما [در برابر خدا و فرمان‌ها و احکام او] تسلیم هستیم.

قرآن نه تنها با اهل کتاب، بلکه در روابط با کفار نیز اصل را بر همزیستی و صلح قرار می‌دهد: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال: ۶۱)؛ و اگر دشمنان به صلح گرایند، تو هم به صلح گرای و بر خدا توکل کن که به یقین او شنوا و داناست. مگر در مواردی که کفار با مسلمانان خصومت ورزند و بر سر راه حق قرار گیرند که در این صورت، جهاد اجتناب‌ناپذیر است و چاره‌ای جز نبرد با کفار نیست.

موجب از بین رفتن استقلال و خودکفایی کشور شود، مذموم شمرده و از آن نهی کرده است. خداوند در این باره در قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَّتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء: ۱۳۹)؛ منافقان کسانی هستند که به جای اهل ایمان کفار را (برای خود) دوستان می‌گیرند. آیا نزد کفار عزت و ارج می‌طلبند (با اینکه آنان نزد خدای تعالی ذلیل و خوارند؟) محققاً همه عزت و ارج‌ها (تنها) برای خدا (و از نزد او) است.

این آیه به همه مسلمانان هشدار می‌دهد که عزت خود را در دوستی با دشمنان اسلام نجویند، بلکه تکیه‌گاه خود را ذات پاک خداوندی قرار دهند که سرچشمه همه عزت‌هاست. قرآن برای تأمین عزت و سربلندی مسلمانان و برتری آنان بر کافران و حفظ و صیانت این موقعیت، مؤمنان را موظف می‌کند تا از هر کاری که موجب سلطه و سیطره کافران می‌شود و مسلمانان را به وابستگی می‌کشاند دوری کنند و استقلال و خودکفایی خود را در همه جهات حفظ کنند.

#### ۴. حفظ وحدت و انسجام

وحدت و همبستگی در نظام دفاعی اسلام، اهمیت ویژه‌ای دارد و متون دینی بر بنیادی بودن این مؤلفه تأکید دارد؛ چنان‌که قرآن کریم از یک‌سو، بر ضرورت اتحاد در جبهه نبرد علیه باطل تصریح می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَجِبُ الَّذِينَ يِقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ» (صف: ۴)؛ خدا کسانی را که در راه او در صف به هم پیوسته همچون بنایی پولادین کارزار می‌کنند، دوست می‌دارد.

از سوی دیگر، پراکندگی و تفرقه را مایه زوال شوکت و قدرت جامعه اسلامی برمی‌شمارد: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُوْلَهُ وَ لا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيْحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶)؛ نزاع مکنید که سست خواهید شد و شوکت و آبروی شما خواهد رفت، و بردباری کنید که خدا با بردباران است.

در این باره، سیره اهل بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> نیز حکایت از اهمیت این مبنای بنیادین دارد و بر ضرورت وحدت بین امت اسلامی تأکید می‌ورزد؛ چنان‌که امیرمؤمنان علی<sup>علیه‌السلام</sup> یکی از فضایل خود را اهتمام به حفظ وحدت شمرده، می‌فرماید: «آگاه باش! احدی به وحدت و الفت امت محمد<sup>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</sup> از من حریص‌تر نیست. من در این کار، پاداش نیکو و عاقبت شایسته‌ای را خواهانم» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ن ۷۸).

ایشان در تحلیلی دقیق و در نقد رفتار سپاهیان خود، «تفرقه» را

## اصول اندیشه دفاعی اسلام

کلمه «اصل» در لغت، به معنای «ریشه، پایه و بنیان» به کار رفته و در اصطلاح، به معنای «قواعد ثابت و نامتغیری است که مباحث یک علم بر اساس آن استوار است و قوام می‌یابد». اما مقصود از «اصول» در این تحقیق، مجموعه مؤلفه‌های اساسی است که نسبت به مسئله دفاع اتخاذ می‌گردد و موجب قوام و شکل‌گیری اندیشه آن می‌گردد.

### الف. اطاعت از فرمان‌دهی

اطاعت از فرمان‌دهی و سرپیچی نکردن از دستورات مافوق، موضوعی است که در قرآن کریم نیز بدان توجه شده است. اهمیت این موضوع چنان است که بدون رعایت آن، شیرازه امور از هم خواهد گسست و بسیاری از تلخکامی‌ها از همین جا ریشه می‌گیرد. برای مثال، زبانی که در جنگ احد بر اثر نافرمانی عده‌ای از فرمان‌دهی پیامبر ﷺ صورت پذیرفت، از همین مسئله و رعایت نکردن سلسله‌مراتب فرمان‌دهی سرچشمه گرفته. از این‌رو، یکی از مهم‌ترین نکاتی که در جنگ و دفاع باید به آن توجه داشت، اطاعت از پیشوا و رهبر است. خدای متعال در قرآن کریم، در این‌باره می‌فرماید: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَسَازِعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْلكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶).

همچنین خداوند متعال در بیانی دیگر، به اطاعت از پیامبر ﷺ و صاحبان امر سفارش کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء: ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوا الأمر [اوصیای پیامبر] را! و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها دوری بطلبید)، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است.

چنان‌که پیداست، سفارش به اطاعت از پیامبر ﷺ یک دستور خاص و محدود به شخص پیامبر اکرم ﷺ نیست، بلکه به تبع موقعیت و جایگاه آن حضرت، قابل تعمیم به دیگر افراد صالح نیز هست و به عنوان یک قاعده کلی، همه رهبران اسلامی را دربر می‌گیرد.

لزوم رعایت سلسله‌مراتب فرمان‌دهی و اطاعت از رهبری امت به گونه‌ای است که قرآن کریم به مؤمنان توصیه کرده است که در همه حال، از پیامبر ﷺ پیشی نگیرند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (حجرات: ۱)؛

ای اهل ایمان، بر خدا و پیامبرش [در هیچ امری از امور دین و دنیا و آخرت] پیشی مگیرید و از خدا پروا کنید که خدا شنوا و داناست!

### ب. دشمن‌شناسی

از محوری‌ترین مسائل دفاعی هر کشوری، شناخت دشمنان به منظور دفع تهدیدات و تضمین بقای آن کشور در جنگ و صلح است. اشتباه در شناخت صحیح دوست از دشمن، آثار منفی خود را در روند تدوین و اجرای سیاست‌های دفاعی بر جا خواهد گذاشت. به بیان دیگر، برای تصمیم‌گیری و چگونگی واکنش در برابر دشمن، باید ابتدا او را شناخت، به اهدافش پی برد و روش‌های او را در ضربه زدن و رسیدن به اهدافش بازشناخت، همچنان‌که باید نقاط ضعف و قوت او را مورد مطالعه قرار داد. به مجموع این اقدامات «دشمن‌شناسی» می‌گویند.

دین اسلام اهمیت بسیاری به شناخت دشمن داده، آن را برای ادامه حیات جامعه اسلامی ضروری می‌داند. دیدگاه اسلام در خصوص دوست و دشمن، مبنای اعتقادی - هویتی دارد و هر کس به اسلام معتقد باشد و در راه حق و عدالت قدم بردارد، دوست مسلمانان است. اما در مقابل، هر شخص، گروه یا کشوری که خوی شیطانی بگیرد و باطل را بر حق ترجیح دهد دشمن آنان است:

«اللَّهُ وَ لِي الَّذِينَ آمَنُوا يَخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمَاتُ أُولَئِكَ هُمُ الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۲۵۷)؛ خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنان را از تاریکی‌ها [ی جهل، شرک، فسق و فجور] به سوی نور [ایمان، اخلاق حسنه و تقوا] بیرون می‌برد. و کسانی که کافر شدند سرپرستان آنان طغیان‌گرانند که آنان را از نور به سوی تاریکی‌ها بیرون می‌برند. آنان اهل آتش‌اند و قطعاً در آنجا جاودانه‌اند.

در قرآن کریم، در مجموع، بیش از ۱۵۰۰ آیه درباره دشمن‌شناسی وارد شده است. در این آیات، انواع دشمنان، ابزار و شیوه‌های دشمنی و راه‌های مقابله با آنان بیان شده است. در قرآن کریم، از سه گروه دشمن یاد شده است:

الف) دشمن ایمانی که شیطان و همراهان اویند.

ب) دشمن خارجی که کفار و یهودیان هستند.

ج) دشمن داخلی که منافقان‌اند. بنا به فرموده قرآن کریم، اولین درسی که خدا به انسان آموخت دشمن‌شناسی بود: «فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ

هَذَا عَدُوُّكَ وَ لِرَّوَجِكَ» (طه: ۱۱۷)؛ پس به آدم گفتیم که این [شیطان] دشمن است برای تو و همسرت.

همچنین قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (فاطر: ۶)؛ بی‌تردید، شیطان دشمن شماست. پس او را دشمن خود بگیرید. [او] گروهش را فقط [به این سبب به فسق و فجور] دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان گردند.

از سوی دیگر، قرآن کریم در آیات بسیاری دشمنان خارجی را معرفی کرده است. در مثل، برای روشن ساختن ابعاد دشمنی آنان با حق، بسیاری از نعمت‌های الهی را برشمرده و سپس موضع آنها در برابر آن نعمت‌ها را بیان کرده است که چگونه ناسپاس و بهانه‌جو هستند. در این میان، قرآن یهودیان و مشرکان را به عنوان دشمن‌ترین دشمنان معرفی کرده و فرموده است: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا» (مائده: ۸۲)؛ به‌یقین، سرسخت‌ترین مردم را در دشمنی نسبت به مؤمنان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت.

سرانجام، قرآن سخت‌ترین حملات خود را متوجه منافقان ساخته و بزرگ‌ترین اعلام خطر را درباره این دشمنان داخلی اعلام داشته است: «وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُجَبِّكْ أَجْسَامَهُمْ وَ إِن يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهِنَّ خَشَبٌ مُسْتَدَدٌ يَخْسِبُونَ كُلَّ صِخَةٍ عَلَيْهِمْ هُمْ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتِلْهُمْ اللَّهُ أَلَّيْ يُوَفِّكُونَ» (منافقون: ۴)؛ چون آنان را ببینی جسم و ظاهرشان تو را به شگفت آورد، و اگر سخن گویند به سخنانشان گوش فرامی‌دهی؛ [اما از پوچی باطن، سبک‌مغزی و دورویی] گویی چوب‌های خشکی هستند که به دیواری تکیه دارند. هر فریادی را به زیان خود می‌پندارند. اینان دشمن واقعی‌اند. از آنان بپرهیز! خدا آنان را بکشد! چگونه [با دیدن این همه دلایل روشن از حق به باطل] منحرف می‌شوند؟!

همچنین قرآن دشمنان جامعه اسلامی را دشمن خود معرفی کرده، از برقراری ارتباط دوستانه با آنان پرهیز می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّيَّ وَ عَدُوِّكُمْ» (ممتحنه: ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید.

قرآن تنها به دشمنانی اشاره نمی‌کند که انگیزه‌های آفرینشی و آزمایشی برای دشمنی با انسان داشته باشند. دین و اعتقادات نیز از نگاه قرآن می‌تواند انگیزه دشمنی باشد. بدین‌رو، از دیدگاه قرآن، مشرکان، کفار، یهود، نصارا و منافقان از این دسته دشمنان اعتقادی

محسوب می‌شوند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يُغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا» (نساء: ۴۸)؛ خداوند (هرگز) شرک را نمی‌بخشد! و پایین‌تر از آن را برای هر کس بخواهد می‌بخشد و آن کسی که برای خدا شریکی قرار دهد، گناهی بزرگ مرتکب شده است.

مهم‌ترین ویژگی دشمنان اسلام از نظر قرآن، پیمان‌شکنی آنهاست. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «كَيْفَ وَ إِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَقْبَلُوا فِيكُمْ إِلَّا وَّ لَا ذِمَّةَ يَرْضَوْنَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ تَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَ أَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ» (توبه: ۸)؛ چگونه [مشرکان بر پیمان خود پای بندند؟] و در صورتی که اگر بر شما چیره شوند، نه [پیوند] خویشاوندی را در حق شما رعایت می‌کنند، نه پیمانی را! شما را با زبانشان خشنود می‌کنند، ولی دل‌هایشان [از خشنود کردن شما] امتناع دارد و بیشترشان فاسقند.

### ج. قطع ریشه‌های فساد

«فساد» در لغت، خارج شدن از حد اعتدال است، و در برابر «صلاح و درست‌کاری» قرار دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۳۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۲۳۱). بنابراین، به هر کاری که در آن افراط و تفریط باشد، چه در مسائل فردی و چه اجتماعی و یا نظامی «فساد» گویند. قطع شدن ریشه‌های فساد موضوعی است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است؛ چنان‌که در برخی از آیات، قرآن خداوند کریم قتال و جنگ را محدود به زمانی می‌کند که هیچ‌گونه فتنه‌ای باقی نمانده باشد: «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الَّذِينَ كَلَّهُ لِيَّةً إِنَّا أَنْتَهُوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (انفال: ۳۹)؛ و با آنان بجنگید تا هیچ نوع فساد و فتنه [و خون‌ریزی و ناامنی] بر جا نماند و دین [در سراسر گیتی] ویژه خدا شود. پس اگر از فتنه بازایستند [با آنان نجنگید]؛ زیرا خدا به آنچه انجام می‌دهند، بیناست.

آیه شریفه هدف از جهاد را رفع فتنه و فساد می‌داند و طبیعتاً تا زمانی که این سبب وجود داشته باشد جهاد و دفاع نیز وجود خواهد داشت و مسلمانان موظف‌اند به مقابله با عناصر ایجاد فساد بپردازند. همچنین قرآن کریم هشدار می‌دهد که اگر به رفع فتنه در عالم قیام نشود، آتش آن دامنگیر همه خواهد شد. از این نظر، تنها پیروزی کفایت نمی‌کند، بلکه باید ریشه فتنه و فساد خشکانده شود: «إِلَّا تَعْلَمُوهُ تَكُن فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ» (انفال: ۷۳)؛ اگر چنین نکنید، روی زمین را فتنه خواهد گرفت و فساد بزرگی به راه خواهد افتاد.

مادی و معنوی (همان، ج ۷، ص ۲۲۲). جالب اینکه در روایات اسلامی، برای کلمه «قوه» تفسیرهای گوناگونی شده که از وسعت مفهوم این کلمه حکایت می‌کند؛ مثلاً، در بعضی از روایات می‌خوانیم که منظور از آن «تیر» است (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۶۴ و ۱۶۵). در روایت دیگر، منظور از آن، هرگونه «سلاح» بیان شده و یا در روایتی منظور از آن «شمشیر و سپر» دانسته شده است (همان).

مقابله‌کنندگان با دشمن باید علاوه بر آموزش‌های علمی و فنی، از آموزش‌های جسمی و عملی نیز که برای پیشبرد عملیات جنگی امروز لازم است، برخوردار باشند. یک مسلمان باید، در زمین و هوا و دریا از نیروی بیگانه برتر باشد و همان‌گونه که در زمینه‌های فکری و تکنیکی برتری لازم است، در زمینه توانایی جسمی نیز این تفوق ضرورت دارد. از این رو، خداوند متعال در قرآن، *طالوت*، فرمانده لشکر حضرت اشموئیل، را به افزودن علم و قدرت بدنی می‌ستاید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (بقره: ۲۴۷)؛ خداوند او (طالوت) را بر شما برگزید و علم و قدرت جسم او را افزون ساخت. حضرت اشموئیل، *طالوت* را، که مردی بلندقامت و توهمند و خوش‌اندام و دارای اعصابی محکم و نیرومند بود، به امر خدا به فرمان‌دهی لشکر خود انتصاب کرد و در مقابل تعصب و اعتراض بنی‌اسرائیل به انتصاب وی، به آنها گفت: خداوند او را بر شما امیر قرار داده و او به خاطر نیروی جسمی و قدرت روحی شایستگی فرماندهی و رهبری دارد؛ این هر دو به اندازه کافی در *طالوت* هست و از این نظر بر شما برتری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۶۸). همچنین آیه ۷۱ سوره نساء از دیگر آیاتی است که به موضوع آمادگی تسلیحاتی اشاره دارد. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثَبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا»؛ ای اهل ایمان، [در برابر دشمن مهیا و آماده باشید و] سلاح‌ها و ساز و برگ جنگی خود را برگیرید. پس گروه گروه یا دسته‌جمعی [به سوی جنگ با دشمن] کوچ کنید.

«حذر» در لغت، به معنای «مراقبت در برابر خطر» است و گاهی به معنای «وسيله‌ای که به کمک آن با خطر مبارزه می‌شود» نیز آمده است. (همان، ج ۴، ص ۳؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۲۵). اما مصداق روشن آن در آیات و روایات، سلاح است. (طبرسی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۶۲۳؛ یزدی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۳۴)؛ چنان‌که در آیه‌ای دیگر آمده است: «وَ إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلَتَقُمْ طَائِفَةٌ

از سوی دیگر، قرآن یکی از فلسفه‌های دفاع و جهاد را برجسته شدن بساط فساد و تباهی می‌داند و می‌فرماید: «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره: ۲۵۱)؛ و اگر خدا [تجاوز و ستم] برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین را فساد فرامی‌گرفت، ولی خدا نسبت به جهانیان دارای فضل و احسان است.

از این رو، هرچند سنت پروردگار بر این قرار گرفته است که در این دنیا اصل «اراده و اختیار» حکومت کند و انسان‌ها در انتخاب راه خیر و شر آزاد باشند، ولی هنگامی که طغیان ستمگران جهان را در معرض فساد و تباهی عمومی قرار دهد خداوند جمعی از بندگان خود را برمی‌انگیزد و یاری می‌کند که جلوی طغیان آنها را بگیرند و اهریمنی آنها را در هم بکوبند و این یکی از الطاف پروردگار بر بندگان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۴۶).

#### د. آمادگی دفاعی

جامعه اسلامی همیشه از سوی نیروهای شیطانی و دشمنان بشریت در معرض خطر بوده و آنها پیوسته در حال طرح و اجرای توطئه‌های خود بر ضد مسلمانان هستند. از این رو، مسلمانان باید پیوسته مراقب و آماده باشند تا به شیخون و هجوم غافلگیرانه دشمن دچار نشوند. قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد همواره در حال آمادگی دفاعی و رزمی کامل باشند و هرچه را در این راه به آن نیازمندند، فراهم کنند. برای نمونه، خداوند در آیه ۶۰ سوره انفال در خصوص آمادگی رزمی و تسلیحاتی به روشنی می‌فرماید: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوُّ اللَّهِ وَ عَدُوُّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْفَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظَلُمُونَ»؛ و در برابر آنان، هرچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرت و ساز و برگ جنگی] و اسبان ورزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها، دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی‌شناسید، ولی خدا آنان را می‌شناسد، بترسانید. و هرچه در راه خدا هزینه کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می‌شود، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت.

کلمه «قوه»، نه تنها وسایل جنگی و سلاح‌های پیشرفته هر عصری را دربر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به نوعی در پیروزی بر دشمن اثر دارند شامل می‌شود، اعم از نیروهای

همچنین قرآن با «ولی» خواندن مؤمنان نسبت به یکدیگر و تعیین وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، مسئولیت دفاع و حمایت از حریم ایمان را نیز بر عهده آنان نهاده است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۷۱)؛ مردان و زنان باایمان دوست و یار یکدیگرند. همواره به کارهای نیک و شایسته فرمان می‌دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازمی‌دارند، و نماز را برپا می‌کنند، و زکات می‌پردازند، و از خدا و پیامبرش اطاعت می‌نمایند. به زودی خدا آنان را مورد رحمت قرار می‌دهد؛ زیرا خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.

از سوی دیگر، در احادیث اهل‌بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> نیز به این مهم توجه داده شده است؛ چنان‌که رسول خدا<sup>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</sup> در سخنی جامع و فراگیر، همهٔ مسلمانان را نسبت به یکدیگر مسئول دانسته و فرموده‌اند: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (شعیری، بی‌تا، ص ۱۱۹)؛ شما همه نگاهبانید و از همه شما می‌پرسند از آنچه نگاهبان‌اید.

ایشان در کلامی دیگر، مسلمانان را نسبت به ندای دادخواهی برادر مسلمانان مسئول دانسته، می‌فرمایند: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ، وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا ينادي يا للمسلمين فلم يجبهه فليس بمسلم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲ ص ۱۶۴)؛ هر که صبح کند و به امور مسلمانان همت نگمارد، از آنها نیست؛ و هر که بشنود مردی فریاد می‌زند: مسلمان‌ها به دادم برسید! و جوابش نگوید مسلمان نیست.

ایشان همچنین در حدیثی دیگر در بیان فضیلت حمایت و فریادری به مسلمان فرمودند: «مَنْ رَدَّ عَنْ قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَادِيَةَ [مَاءٍ] أَوْ نَارٍ أَوْ حَيْتَ لَهُ الْجَنَّةُ» (همان)؛ هر کس تجاوز آب یا آتشی را از گروهی از مسلمانان بگرداند، بهشت برایش واجب می‌گردد.

بنا بر آنچه از متون فوق به دست آمد وظیفه دفاع و حراست از جان و مال و ناموس، محدود به یک حد جغرافیایی خاص نیست و همهٔ قلمرو اسلام و مسلمانان را دربر می‌گیرد.

### نتیجه‌گیری

اندیشهٔ دفاعی اسلام برخاسته از مبانی و اصول نظری است که ریشه در منابع دینی، به‌ویژه قرآن، دارد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که این اندیشه در دو حوزه «مبانی» و «اصول» برگرفته از

مِنْهُمْ مَعَكُمْ وَ لِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَ لَتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يَصَلُوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكُمْ وَ لِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَ أَسْلِحَتَهُمْ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْلَبُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَ أَمْعِيَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أذى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرَضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَ خُذُوا حِذْرَكُمْ إِنْ اللَّهُ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا» (نساء: ۱۰۲)؛ و هنگامی که در [عرصهٔ نبرد و خطر] میان آنان باشی و برای آنان [به جماعت] نماز اقامه کنی، پس باید گروهی از رزمندگان درحالی که لازم است سلاحشان را بگیرند، همراهت به نماز بایستند، و چون سجده کردند [و رکعت دوم را بدون اتصال به جماعت به پایان بردند] باید [برای حفاظت از شما] پشت سرتان قرار گیرند. و آن گروه دیگر، که [به خاطر مشغول بودن به حفاظت] نماز نخوانده‌اند، بایستند و با تو نماز گذارند. و آنان باید [در حال نماز] از هوشیاری و احتیاط [نسبت به دشمن] غافل نباشند، و سلاحشان را با خود بگیرند. [زیرا] کافران دوست دارند شما از سلاح‌ها و ساز و برگ جنگی خود غفلت ورزید، تا یک‌باره به شما هجوم برند. و اگر از باران در زحمت و مشقت هستید، یا بیمارید، بر شما گناهی نیست که سلاحتان را بر زمین گذارید، ولی باید هوشیاری و احتیاط خود را حفظ کنید. به یقین، خدا برای کافران عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است.

بنابراین، جملهٔ «خذوا حذرکم» در آیهٔ ۷۱ سورهٔ نساء کنایه از آمادگی کامل برای عزیمت به جهاد و مقابله با دشمن دارد. در واقع، «حذر» هرگونه وسیلهٔ مادی و معنوی و نیز هرگونه آمادگی، اعم از فرهنگی، اقتصادی، انسانی و نظامی را شامل می‌شود. از این‌رو، به حکم آیهٔ فوق، آماده‌سازی همهٔ لوازم جنگی، از قبیل اطلاعات، اسلحه، تعلیمات، نقشهٔ جنگی، تعیین فرمانده، و تدارکات لازم می‌گردد.

### هـ دفاع فرامرزی

اصل دفاع فرامرزی مسئله‌ای دینی است که به روشنی در متون اسلامی بدان تصریح شده است؛ چنان‌که قرآن کریم در سخنی جامع و فراگیر، با برادر خواندن مسلمانان، وظیفهٔ حمایت و دفاع از یکدیگر را نیز به آنان گوشزد کرده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰)؛ جز این نیست که همهٔ مؤمنان با هم برادرند. بنابراین، میان برادرانتان صلح و آشتی برقرار کنید، و از خدا پروا نمایید که مورد رحمت قرار گیرید.



آموزه‌های قرآنی است و بنیان‌های فکری آن بر پایه قرآن طرح و تبیین شده است. از این رو، مهم‌ترین مبانی اندیشه دفاعی اسلام عبارتند از: نفی سلطه، تکلیف‌گرایی، استقلال و خودکفایی، حفظ وحدت و انسجام، و همزیستی مسالمت‌آمیز مهم‌ترین اصول اندیشه دفاعی اسلام نیز عبارتند از: اطاعت از فرمان‌دهی، دشمن‌شناسی، قطع ریشه‌های فساد، آمادگی دفاعی و دفاع فرامرزی.

#### .....منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.
- ابن منظور، محمدبن مكرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بيروت، دارالفكر.
- بجنوردی، محمدحسین، ۱۴۱۹ق، قواعد فقهیه، قم، الهادی.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان.
- دهشیری، محمدرضا، ۱۳۷۸، امام خمینی و حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- راد، علی، ۱۳۹۰، مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن با رویکرد نقادانه به آرای فیهی، عسال و رومی، تهران، سخن.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالعلم.
- سحرخوان، محمد، ۱۳۸۲، دائرة المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب.
- شعیری، محمدبن محمد، بی تا، جامع الأخبار، نجف، مطبعة الحیدریة.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، من لایحضره الفقیه، قم، مؤسسه آل‌البتی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۸، جوامع الجامع، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۲، مجمع البیان تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی.
- فاضل لنکرانی، محمد، ۱۴۱۸ق، قواعد فقهیه، قم، اعتماد.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، بی تا، القاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۵، میزان الحکمه، قم، دارالحديث.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- یزدی، محمد، ۱۴۱۵ق، فقه القرآن، قم، اسماعیلیان.